

# چارلز دیکنز

در باره چارلز دیکنز

## روزگار سخت

ترجمه

حسین اعرابی



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۹۰

www.nagah.com

www.nagah.com

www.nagah.com

www.nagah.com

## درباره چارلز دیکنز

چارلز دیکنز در هفتم فوریه سال ۱۸۱۲ در شهر پورتس موث<sup>۱</sup> به دنیا آمد. او دومین کودک از ۸ فرزند خانواده اش بود، پدر او جان دیکنز کارمند جزء دایره پرداخت حقوق نیروی دریائی و مادرش خدمتکار لرد کرو<sup>۲</sup> بود. با وجود این که جان دیکنز مردی فعال و سخت کوش بود اما نمی توانست با حقوق ناچیزش خرج و معاش خانواده خود را تأمین کند و این عدم امنیت اقتصادی خانواده او را همواره در عذاب داشت.

شغل جان دیکنز او را از شهری به شهری دیگر و از دیاری به دیاری دیگر می برد و به همین دلیل چارلز او ان کودکی خود را در پورتس موث، لندن، و چatham<sup>۳</sup> گذراند. بهترین خاطرات خود را از چatham ذکر می کرد. او در آن جا به مدرسه ای که توسط یک کشیش اداره می شد رفت. مدیر مدرسه نبوغ او را کشف کرد و او را تحت توجه و مراقبت خود قرار داد. در سال ۱۸۲۳ خانواده او به لندن کوچ کردند و در این شهر بود که با مشکلات مالی فراوانی روبه رو شدند و چارلز جهت کمک به خانواده مجبور شد در یک شرکت تجارتمی که متعلق به یکی از بستگان مادرش بود کار کند. دو روز قبل

1. Prts mouth

2. Crewe

3. Chatham

از دوازدهمین سالروز تولدش چارلز کوچک در یک کارخانه به نام هانگرفورد استیزد<sup>۱</sup> در ازای ۶ شلینگ در هفته به کار برچسب زنی روی بطری‌ها مشغول شد.

چندی قبل از این، جان دیکنز به خاطر قرض‌های فراوانش دستگیر و زندانی شده بود و غیر از چارلز که دارای سرپناهی بود، بقیه افراد خانواده نیز در «زندان مفلسین مارشال سی»<sup>۲</sup> به او پیوستند. این دو ضربه - یکی شغل حقیر و دیگری بی‌آبروئی خانواده - چارلز را شدیداً تحت تأثیر قرار داد. سال‌ها بعد، او فقط برای همسرش و یکی از صمیمی‌ترین دوستانش، جان فورستر تعریف کرد که چه‌گونه کابوس آن روزها هنوز هم او را عذاب می‌داد. جان، پس از سه ماه با اعلام «ورشکسته» از زندان آزاد شد ولی مدت‌ها طول کشید تا او توانست جان را از شر کار کردن خلاص کند و به مدرسه بفرستد. او در مدرسه پیشرفت خوبی داشت. چارلز در ۱۵ سالگی در یک وکالتخانه شروع به کار کرد و هنگامی که احساس کرد می‌تواند کار بهتری پیدا کند، شروع به آموختن تندنویسی نمود و ۱۸ ماه بعد از آن به عنوان خبرنگار در دادگاه خانواده مشغول کار شد.

در ۱۸۲۹ یا ۱۸۳۰ عاشق ماریا بیدنل<sup>۳</sup> دختر یک بانکدار ثروتمند شد. این عشق نافرجام تا تابستان سال ۱۸۳۳ ادامه داشت. در خلال این مدت او توانست به عنوان یک خبرنگار پارلمانی شهرتی به هم بزند، شهرت او به خاطر سرعت و دقت گزارش‌هایش بود. اولین نوشته‌های او به نام «چرک‌نویس‌های باز»<sup>\*</sup> اندکی بعد از بیست و یکمین سال روز تولدش در مجلات منتشر شد. در سال ۱۸۳۴ او به جمع خبرنگاران و نویسندگان

روزنامه «مورنینگ کرانیکل»<sup>۱</sup> پیوست و جلد اول «چرک‌نویس‌های باز» را در ۲۴ سالگی منتشر کرد که با استقبال فراوانی روبه‌رو گردید. شهرت فزاینده او باعث شد که بنگاه انتشاراتی چپمن و هال<sup>۲</sup> قراردادی با او امضاء کرد. براین اساس قرار شد که دیکنز به کمک نقاش معروف به نام «سی مور»<sup>۳</sup> مطالبی برای ماهنامه آن‌ها فراهم کند و به این ترتیب او «آقای پیک‌ویک»<sup>۴</sup> را اختراع کرد، دو روز بعد از انتظار اولین شماره آن با کاترین هوگارت<sup>۵</sup>، دختر یک روزنامه‌نگار ازدواج کرد. با وجود این که فروش اولیه این ماهنامه مایوس‌کننده بود اما طولی نکشید که «یادداشت‌های پیک‌ویک» (۲۷-۱۸۳۶) شهرتی فراوان یافت و شخصیت اختراعی او در بین همه مشهور شد. البته یک دلیل این موفقیت شاید این باشد که او برای انتشار داستان‌هایش از روشی بسیار ارزان قیمت استفاده کرده بود. و البته او در تهیه و چاپ کتاب‌های دیگرش نیز از همین روش استفاده کرد. در حالی که سریال «پیک‌ویک» هنوز هم در مجله جریان داشت دیکنز با نوشتن کتاب‌های اولیور توئیست (۱۸۳۷)، نیکلای نیکل بی (۱۸۳۸-۹) موفقیت عظیمی به دست آورد و فروش کتاب «مغازه آنتیک‌فروشی» (۴۱-۱۸۴۰) به یکصد هزار نسخه رسید. دیکنز در سال ۱۸۴۱ پس از اتمام کتاب بارنابی روز به اتفاق همسرش به آمریکا مهاجرت کرد. او که با دلی سرشار از شوق و امید و به‌خواخواهی جمهوری خواهان جوان به آمریکا رفته بود به زودی مایوس و سرخورده، از آن‌جا به انگلیس برگشت. حاصل تجربیات او از این سفر کتاب «یادداشت‌های آمریکا» (۱۸۴۲) است.

1. Morning Cranikel 2. Chapman \* Hall  
3. Sey mour 4. Mr Pick Wick  
5. Cathrene Hogarth

1. Hangerford Stairs 2. Marshal Sea  
3. Maria Beadnell \* Sketches by Boz



اولین دوره ناکامی او با عدم موفقیت کتاب «مارتین چازلویت»<sup>۱</sup> (۱۸۴۳-۴۴) است ولی او با پشتکار فراوان «یک هدیه کریسمس» (۱۸۴۳) را با موفقیت منتشر کرد. پس از آن سفری به خارج رفت و مدت‌ها در ایتالیا (۱۸۴۴-۴۵) و سوئیس و پاریس (۱۸۴۶) به سربرد. در توقف کوتاهی که در لندن کرد برنامه انتشار روزنامه دلی نیوز را پی افکند و اولین شماره آن در ژانویه ۱۸۴۶ منتشر شد ولی دیکنز پس از انتشار ۱۷ شماره آن از سمت سردبیری روزنامه استعفاء نمود.

کتاب بعدی او «بامبی و پسر» (۱۸۴۶-۸) بود که نسبت به آثار گذشته او از دقت و محتوای بهتری برخوردار بود. در سال (۱۸۴۹-۵۰) با نوشتن «دیوید کاپرفیلد» در حقیقت دوران کودکی خود را به تحریر درآورد. در سال‌های ۱۸۵۰ او بیشتر در مسائل اجتماعی دخالت می‌کرد و مجله هفتگی هاوس هولد وردز<sup>۲</sup> را منتشر کرد که علاوه بر یک نشریه اجتماعی حاوی مسائل سرگرم کننده و تفریحی نیز بود که در سال ۱۸۵۹ به دنبال آن «کتاب سال» را منتشر کرد که فروش آن به سیصد هزار نسخه رسید. در (۱۸۵۲-۵۳) «خانه متروک» و در ۱۸۵۴ «روزگار سخت» را نوشت که هر دو رمانی اجتماعی مملکت بودند و دوریت کوچک (۱۸۵۵-۵۷) اوج نفرت دیکنز را از نحوه اداره مملکت می‌رساند.

در ۱۸۵۸ او از همسرش جدا شد. «کیت» با وجود این که ده فرزند برای او آورده بود اما هرگز روح نا آرام او را آنطور که باید و شاید تسخیر نکرد. او با یک هنرپیشه جوان به نام الن ترنان<sup>۳</sup> دوست شد. او در این زمان بیشتر اوقات خود را در گدز هیل<sup>۴</sup> واقع در استان کنت<sup>۵</sup> می‌گذراند که نزدیک چاتهام یعنی

1. Martin Chazlwit

2. Househol Words

3. Ellen Ternan

4. Gad's Hill

5. Kent

شهری که بهترین خاطرات کودکی را از آن داشت، بود داستان دو شهر (۱۸۵۹)، آرزوهای بزرگ (۶۱-۱۸۶۰) و دوست مشترک ما (۵-۱۸۶۴) آخرین کارهای اوست. در اواسط دهه ۶۰ سلامت او کاملاً به مخاطره افتاده بود شاید به خاطر این که ساعات زیادی را صرف «روخوانی» از آثار خود در تئاترها می‌کرد که از سال ۱۸۵۸ شروع شده و موفقیت چشم‌گیری کسب کرده بود. در سال‌های ۱۸۶۷-۸ او روخوانی یک سری از کتاب‌های خود در آمریکا را شروع کرد که هرچند درآمد زیادی نصیب او کرد اما باعث تسریع ضعف جسمانی او شد تا بالاخره هنگام آخرین اجرای خود در لندن از پا درآمد. او پس از یک روز تمام کار طاقت‌فرسا در هشتم ژوئن ۱۸۷۰ در گدز هیل دچار سکته شد و روز بعد فوت کرد. آخرین کتاب او «ادوین درود»<sup>۱</sup> هرگز تمام نشد. مراسم تشییع جنازه او با شکوه تمام برگزار شد و او در قطعه شعرا واقع در قبرستان وست مینستر به خاک سپرده شد.

1. Edwin Drood